

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۸ جولای ۲۰۰۹

نویسنده توانا و شاعر شکر کلام، جناب شکرالله شیون! مقدم تان در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مبارک باد. جای شما در پورتال واقعاً خالی بود و از همینرو میگوئیم که: دیر آمدید و بسیار خوش آمدید. اولین نوشته شما که سزای دهن گشادی های جنایتکار عریده جو و عدوی سرسخت مردم افغانستان، دستگیر پنجشیری را میدهد، مواصلت کرد که زینت بخش صفحه فردا، نهم جولای ۲۰۰۹، خواهد گردید. به صراحت میگوئیم، که جای نویسنده آزاده ای مثل شما، در پورتال آزادگان است و از همینرو یقین داریم، که همکاریهای شما، کام خوانندگان گرانقدر پورتال را، مدام شیرین خواهد ساخت. موفق و سرفراز باشید و قلم تان بران و برهان تان قاطع باد!

با محبت های فراوان
اداره پورتال AA-AA

شکرالله شیون

دستگیر پنجشیری – کودک هشت و نیم ساله

پس از انتشار اعتذارنامه جعلی سه تن از اعضای رهبری ح.د.خ.ا.، جناب والاحضرت پیر صاحب پنجشیر، حضرت بزرگوار دستگیر پنجشیری، در رد اصلیت آن منتشره، استخاره ها کردند و بر ایشان اشاره ها شد که باید این ملت بد بخت و قدر ناشناس از هشت و نیم سالی که جناب عالی شان در زندان های مختلف سپری نموده اند، قدردانی نماید. پیر صاحب بزرگمنش با صراحت و شهادت و کرامت و فصاحت و بلاغت و وقاحت و بدون ندامت، می نگارند که دوسال و دو ماهی از عمر عزیز خویش را در زمان دولت نجیب و چهار ماهی از آن را در دوره حکومت کارمل و شش سال پربار آن را در وقت زمامداری ظاهر، زندانی بودند و جناب ایشان از نه ماهی که در دوره سلطنت تاجدار، در شکم مبارک بوبو جان شان رنج و مشقت زندان را متحمل بودند، نظر به ملحوظاتی یاد آوری نمی کنند؛ اگر چند این ملت بد بخت فریاد بکشد که ایکاش از همان زندان اول سالم بدر نمی شدند. پیر صاحب بزرگوار هرگز فراموش نکرده اند که این ملت بدبخت باید برای رسیدن به آزادی و دموکراسی شهید بدهد و هرگز انتظار تقدیر نامه ای را نداشته باشد و نیز جناب ایشان خوب میدانند که آن اعتذار نامه از بنیاد سخت جعل و این دفاعنامه بی بنیاد سخت قبیح است که ایکاش لب از لب نگشوده و چون آن دو دیگر سکوت میکردند.

جناب بزرگوار ، دستگیر پنجشیری با وقاحت تمام از دوره های پنهانی زندان خویش نام میبرند و باز نظر به ملحوظاتی از زمانه هائی که با تیغ استعمار و ستم بیگانه بر این ملت بد بخت آشکارا فرمانروایی میکردند ، یاد نمی کنند.

بزرگوار گرانقدر در قسمتی از دفاعنامه قبیح خویش می آورند که :

« دو دیگر اینکه: من نه تنها هیچگاه عضو دفتر سیاسی "حزب وطن" دکتر نجیب الله نبوده ام، بل به علت مخالفت علنی با دستبرد نام "حزب وطن" غبار فقید و به اتهام پشتیبانی از رویارویی نظامی شهنواز تئی، زندانی محاکمه محکوم شکنجهء روانی، اعدام و پس از دو سال و اند ماه حبس دوام در سولهای مجرد زندان پلچرخ، اتفاقا به فرمان جناب عبدالرحیم هاتف معاون اول رییس جمهور از زندان آزاد شدم.»

به پیر پیران قسم که پیر بزرگترین خود شما هستید که هم دو سال و اند ماه حبس شدید و هم حبس دوام شدید و باز محاکمه محکوم شدید و **همچنین اعدام شدید** و خدا رحمت کند صد پدر جناب هاتف را که به امر ایشان ، **پس از اعدام آزاد گردید** و فرمانروائی کردید.

در جای دیگری چه بزرگ منشانه می نویسد که :

« در دوران رهبری ۱۰۱ روزه حکومت حفیظ الله امین نیز درست ۹۹ روز آنرا در بیمارستان سپری کردم و به دلیل مخالفت خود با حضور و نفوذ قشون شوروی نزدیک به چهار ماه زندانی و در نتیجه پافشاری دادخواهانه زنده یاد استاد خلیل کهستانی و دیگر فعالان حزب دموکراتیک خلق افغانستان به فرمان ببرک کارمل از زندان آزاد شدم.»

و این بار خدا رحمت کند صد پدر حفیظ الله امین را که به هر مخالف علنی خویش سخت ترحم میکرد، اگر آن شخص بیمار می بود و خداوند به حضرت شما شفای عاجل نصیب گرداند . آمین .

اما پیر صاحب بزرگ !

من از شش سال زندان شما در دوره ظاهر خبر دارم و از دو سال و دو ماه آن در زمان نجیب و چار ماه آن در زمان کارمل اینک خبر میشوم و این است که حاجت به درگاه مبارک شما آورده و سؤال ها دارم .

والاحضرتا :

در آن لحظه ننگینی که « مجید کلکانی » ، آن بچه نازنین مادر آزادی را تیر باران می کردند ، شما چه استخاره ها می کردید ؟

در آن ساعتی که « نادر علی پویا » ، آن فرزند زیبای دموکراسی را اعدام می کردند ، شما چه تناول می فرمودید ؟

در آن هنگامی که « انجنیر علی » و « میرویس » را در زیر شکنجه می کشتند ، شما در کدام بستر ناز رفع خستگی می کردید؟

و در آن روزگاری که هزاران جوان این سرزمین را در پولیگون زیر خاک می کردند ، شما بر اریکه کدام کرسی آرام تکیه زده بودید؟

جناب بزرگوار :

من نا سپاس نبوده و سخت آرزو دارم که به پاس سال های زندان ، دعوت مجلی به منظور قدردانی از شما ترتیب بدهم ، اما چه کنم که سخت میترسم و بسیار هراس دارم که مبدا در لحظه دست شستن ، آب بر دامن مبارک بریزد و شما استخاره ها کنید و عالم در خونابه غرق گردد.

جناب محترم دستگیر پنجشیری !

حقا که برای سال های زندان ، از این ملت بد بخت طلبکار یک قدردانی هستید.

آن هشت و نیم سال شما ، چون شیر مادر حلال شما.

اما برای باقی همه عمر خویش به این ملت سر افراز ، بدهکار هزاران پوزش هستید و سزاوار صدها هزار نفرین.